



دانشگاه پیام نور

مرکز تحصیلات تکمیلی
بخش زبان و ادبیات فارسی

رساله

برای دریافت مدرک دکتری تخصصی (Ph.D.)

بررسی شاهنامه فردوسی از دیدگاه دانش معانی با تأکید بر داستان رستم

و اسفندیار

استاد راهنما:

دکتر نرگس محمدی بدر

استادان مشاور:

دکتر مجید سرمدی و دکتر حسین یزدانی

داریوش ذوالفقاری

اردیبهشت ۱۳۹۱

Abstract

Rhetorics is based on the context of situation. Material structures, rhetoric is syntax and sources of this knowledge in any language is the language of literary masterpieces. Shahnameh is one of the masterpieces of Persian literature that its review based on rhetoric to uncover the secrets of Persian rhetorical is the subject of this study.

In this thesis, some new classifications will be provided for different criteria. The classifications will be proposed on the basis of both Abdolghafer Jorjani's Nazm Theory and some basic, related theories in linguistics. Writer emphasis in this study is on the story of Rostam and Esfandiar. He has also provided examples of different positions Shahnameh.

Moreover, here we will propose some new discussions about "Vave Moghabeleh" , "Vave Foriyat" in "Fasl va Vasl" topic; the implicit meaning of "brevity, verbosity, hyperbole in the field of syntactic structures". Finally there will be some discussions about "dialogue" , "coherence" and "tone". And this result is obtained with regard to their Many of the reasons that affect the Shahnameh

Ferdowsi in the area of rhetoric , is due to the special techniques Discover and understand the techniques they understand the real implications of this book is very effective.

Keywords: rhetorics, Ferdowsi's Shahnameh, Rustam and Esfandyar



Faculty Literature & Humanities

Department of Language & literature

Thesis Submitted for the Award of
Ph.D.Persian Language & Literature

**An study of the Ferdosi`s Shahname from the view point of rhetorics
on both Rostam and Esfandiar**

Under the guidance of :

Dr. Narges Mohamadi Badr

Advisor :

Dr. Majid Sarmadi&Dr. Hosain Yazdani

Dariush Zolfaghari

May2012

به نام خداوند جان و خرد

گواهی اصالت، نشر و حقوق مادی و معنوی اثر

اینجانب داریوش ذوالفقاری دانشجوی ورودی سال ۱۳۸۶ مقطع دکتری تخصصی رشته زبان و ادبیات فارسی گواهی می‌نمایم چنانچه در رساله خود از فکر، ایده و نوشته دیگری بهره

گرفته‌ام با نقل قول مستقیم یا غیرمستقیم منبع و مآخذ آن را نیز در جای مناسب ذکر کرده‌ام. بدیهی است مسئولیت تمامی مطالبی که نقل قول دیگران نباشد بر عهده خویش می‌دانم و جواب‌گوی آن خواهم بود.

داریوش ذوالفقاری

تاریخ و امضاء

اینجانب داریوش ذوالفقاری دانشجوی ورودی سال ۱۳۸۶ مقطع دکتری تخصصی رشته زبان و ادبیات فارسی گواهی می‌نمایم چنانچه براساس مطالب رساله خود اقدام به انتشار مقاله، کتاب، و ... نمایم ضمن مطلع نمودن استاد راهنما با نظر ایشان نسبت به نشر مقاله، کتاب، و ... و به صورت مشترک و با ذکر نام استاد راهنما مبادرت نمایم. داریوش ذوالفقاری

تاریخ و امضاء

کلیه حقوق مادی مترتب از نتایج مطالعات و نوآوری ناشی از تحقیق موضوع این رساله متعلق به دانشگاه پیام نور می‌باشد.

ماه سال

هنر جوی و تیمار بیشی مخور

که گیتی سپنج است، ما بر گذر

فردوسی

با یاد پدرم

که

شاهنامه خوانی اش

برای همیشه در جانم زمزمه می کند.

تقدیر

از همهٔ آموزگاران و استادان عزیزم تشکر می‌کنم و خیر دنیا و آخرت را برای آنان آرزومندم. همسرم خانم لیلا عسگری در ماشین‌نویسی و نمونه‌خوانی با شکیبائی مرا یاری کرده است از خداوند کارساز و بنده‌نواز می‌خواهم برای همیشه او را یاری فرماید.

چکیده

مبنای علم معانی تناسب سخن با مقتضای اوضاع و احوال است، مواد علم معانی ساختارهای نحوی است و منابع این علم در هر زبانی شاهکارهای ادبی آن زبان می‌باشد. شاهنامه فردوسی یکی از مهم‌ترین شاهکارهای ادبیات فارسی است که بررسی آن بر مبنای علم معانی برای کشف بخشی از اسرار بلاغی مختص زبان فارسی موضوع پژوهش حاضر است.

در این رساله سعی شده است با تأکید بر نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی و توجه به برخی از نظریات مطرح در زبان‌شناسی برای معیارهای این علم دسته‌بندی نسبتاً تازه‌ای پیشنهاد شود و بر مبنای آنها شگردهای بلاغی جدیدی از متن شاهنامه کشف شود. برای این کار تأکید نگارنده بر داستان رستم و اسفندیار است ضمن آنکه در جای جای پژوهش شاهد مثال‌هایی از مواضع مختلف شاهنامه فردوسی ارائه کرده است.

«واو مقابله» و «واو فوریت»، «معنای ضمنی ایجاز»، «معنای ضمنی اطناب»، «معنای ضمنی اغراق» و سرانجام مطرح کردن مواردی مانند گفت‌وگو، انسجام و لحن در ابواب علم معانی از جمله مباحث تازه‌ای است که در این رساله مطرح شده و با توجه به آنها این نتیجه به دست آمده است که بسیاری از دلایل اثرگذاری شاهنامه در گرو شگردهای ویژه فردوسی در حوزه علم معانی است، شگردهایی که کشف و فهم آنها در درک مفاهیم حقیقی این کتاب بسیار موثر است.

واژگان کلیدی: بلاغت، رستم و اسفندیار، شاهنامه فردوسی، علم معانی

صفحه	فهرست مطالب
۱-۶.....	مقدمه.....
۷-۱۳.....	کلیات تحقیق.....
۸.....	طرح مسأله و سؤال‌های تحقیق.....
۱۰.....	اهمیت موضوع و ضرورت تحقیق.....
۱۱.....	اهداف تحقیق و کاربردهای آن.....
۱۱.....	روش تحقیق.....
۱۴-۴۹.....	فصلاول: مبانی نظری و پیشینه تحقیق علم معانی.....
۱۵.....	۱-۱- تاریخچه علم معانی.....
۱۹.....	۱-۱-۱- کتاب‌های فارسی علم معانی.....
۱۹.....	۱-۱-۱-۱- موهبت عظمی.....
۲۰.....	۱-۱-۱-۲- هنجار گفتار در معانی و بیان و بدیع فارسی.....
۲۱.....	۱-۱-۱-۳- دررالادب.....
۲۲.....	۱-۱-۱-۴- معالم البلاغه.....
۲۳.....	۱-۱-۱-۵- آیین سخن، مختصری در معانی و بیان فارسی.....
۲۳.....	۱-۱-۱-۶- معانی بیان آهنی.....
۲۴.....	۱-۱-۱-۷- اصول علم بلاغت.....
۲۵.....	۱-۱-۱-۸- معانی و بیان همایی.....
۲۷.....	۱-۱-۱-۹- معانی و بیان تجلیل.....
۲۷.....	۱-۱-۱-۱۰- معانی کزازی.....
۲۸.....	۱-۱-۱-۱۱- معانی و بیان علوی مقدم.....
۲۹.....	۱-۱-۱-۱۲- معانی شمیسا.....

۳۰	۱-۱-۱-۱۳- معانی و بیان در ادبیات و سینما.....
۳۱	۱-۱-۱-۱۴- درآمدی بر زیباشناسی شعر، معانی و بیان.....
۳۱	۱-۱-۲- دلایل الاعجاز عبدالقاهر جرجانی.....
۳۳	۱-۲-۱-۱- نظریه نظم جرجانی.....
۴۲	۱-۲-۲- برخی از کاستی‌های مطالعات بلاغی.....
۴۲	۱-۲-۱- آمیختگی علم معانی با علوم دیگر.....
۴۳	۱-۲-۲- آمیختگی علم معانی با بیان و بدیع.....
۴۷	۱-۲-۳- آمیختگی حوزه‌های زبان و ادبیات.....
۴۸	۱-۲-۴- واحد بررسی بلاغی، فقط جمله است.....
۵۰-۱۱۶	فصل دوم: علم معانی.....
۵۱	۱-۲- موضوع علم معانی.....
۵۱	۲-۲- فایده علم معانی.....
۵۱	۲-۳- تعریف علم معانی.....
۵۴	۲-۴- ابواب علم معانی.....
۵۶	۲-۴-۱- معنی ضمنی ساختارهای نحوی.....
۵۷	۲-۴-۱-۱- معنی ضمنی جمله‌های خبری.....
۶۰	۲-۴-۱-۲- معنی ضمنی جمله‌های انشایی.....
۷۰	۲-۴-۲- ذکر و حذف.....
۷۱	۲-۴-۲-۱- ذکر مسندالیه.....
۷۲	۲-۴-۲-۲- حذف مسندالیه.....
۷۴	۲-۴-۲-۳- ذکر مسند.....
۷۵	۲-۴-۲-۴- حذف مسند.....

۷۵.....	۲-۴-۳- تقدیم و تأخیر مسند و مسندالیه.....
۷۷.....	۲-۴-۴- تعریف و تنکیر.....
۸۱.....	۲-۴-۵- قصر یا حصر.....
۸۳.....	۲-۴-۵-۱- روش‌های ایجاد قصر یا حصر.....
۸۵.....	۲-۴-۶- فصل و وصل.....
۸۷.....	۲-۴-۶-۱- مواضع فصل.....
۸۸.....	۲-۴-۶-۲- مواضع وصل.....
۹۳.....	۲-۴-۷- ایجاز، اطناب، مساوات.....
۹۳.....	۲-۴-۷-۱- مساوات.....
۹۵.....	۲-۴-۷-۲- ایجاز.....
۹۹.....	۲-۴-۷-۳- اطناب.....
۱۰۷.....	۲-۴-۸- چند بحث بلاغی دیگر.....
۱۰۷.....	۲-۴-۸-۱- التفات.....
۱۰۹.....	۲-۴-۸-۲- اغراق.....
۱۱۰.....	۲-۴-۸-۳- انسجام.....
۱۱۱.....	۲-۴-۸-۴- گفت‌وگو.....
۱۱۳.....	۲-۴-۸-۵- لحن.....
۱۱۷-۲۸۹.....	فصل سوم: داستان رستم و اسفندیار از دیدگاه علم معانی.....
۱۱۸.....	۳-۱- پیشینه پژوهش در مورد داستان رستم و اسفندیار.....
۱۱۹.....	۳-۲- خلاصه داستان رستم و اسفندیار.....
۱۲۲.....	۳-۳- نقد بلاغی داستان رستم و اسفندیار.....
۱۲۲.....	۳-۳-۱- پیش‌درآمد.....

- ۱۲۳.....۲-۳-۳- پادشاهی خواستن اسفندیار.....
- ۱۲۴.....۳-۳-۳- سخن گفتن اسفندیار با مادر.....
- ۱۲۶.....۴-۳-۳- آگاه شدن گشتاسب از خواسته اسفندیار.....
- ۱۲۹.....۵-۳-۳- برشمردن اسفندیار خدمات خود را.....
- ۱۳۲.....۶-۳-۳- فرستادن گشتاسب اسفندیار را به سیستان.....
- ۱۳۷.....۷-۳-۳- پند کتابیون به اسفندیار.....
- ۱۴۲.....۸-۳-۳- رفتن اسفندیار به زاوولستان.....
- ۱۴۶.....۹-۳-۳- فرستادن اسفندیار بهمن را به نزد رستم.....
- ۱۶۲.....۱۰-۳-۳- پاسخ پیغام اسفندیار از رستم زال.....
- ۱۷۱.....۱۱-۳-۳- رسیدن رستم و اسفندیار به یکدیگر.....
- ۱۷۸.....۱۲-۳-۳- اسفندیار رستم را به مهمانی نمی خواند.....
- ۱۸۲.....۱۳-۳-۳- بازآمدن رستم به نزد اسفندیار.....
- ۱۸۵.....۱۴-۳-۳- پاسخ دادن اسفندیار رستم را.....
- ۱۸۷.....۱۵-۳-۳- نکوهش کردن اسفندیار دستان سام را.....
- ۱۸۹.....۱۶-۳-۳- پاسخ دادن رستم اسفندیار را.....
- ۱۹۳.....۱۷-۳-۳- پاسخ دادن اسفندیار رستم را.....
- ۱۹۷.....۱۸-۳-۳- پاسخ دادن رستم اسفندیار را.....
- ۱۹۹.....۱۹-۳-۳- هنر نمودن رستم و اسفندیار پیش یکدیگر.....
- ۲۱۴.....۲۰-۳-۳- سخن گفتن رستم با پرده سرای.....
- ۲۱۹.....۲۱-۳-۳- پند دادن زال رستم را.....
- ۲۲۵.....۲۲-۳-۳- رزم رستم با اسفندیار.....
- ۲۳۱.....۲۳-۳-۳- رزم زواره و فرامرز با نوش آذر و مهرنوش.....

۲۴۸.....	۳-۳-۲۴ - چاره ساختنِ سیمِرخ و زال براسفندیار.....
۲۵۵.....	۳-۳-۲۵ - کشتنِ رستمِ اسفندیار را.....
۲۶۸.....	۳-۳-۲۶ - اندرز کردنِ اسفندیار رستم را از بهرِ بهمن.....
۲۷۷.....	۳-۳-۲۷ - آگاهی یافتنِ گشتاسپ از کشته شدنِ اسفندیار.....
۲۸۳.....	۳-۳-۲۸ - نامهٔ رستمِ زال به نزدیکِ گشتاسپ.....
۲۸۶.....	۳-۳-۲۹ - خواندنِ گشتاسپ بهمن را به درگاه.....
۲۹۰-۹۲۹.....	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
۲۹۱.....	جمع‌بندی.....
۲۹۷.....	نتیجه‌گیری.....
۲۹۹.....	نمودار بلاغی داستانِ رستم و اسفندیار.....
۳۰۰-۳۳۳.....	پیوست (علم معانی و زبان‌شناسی).....
۳۰۱.....	۱- ادبیات و زبان‌شناسی.....
۳۰۵.....	۲- زبان و زبان‌شناسی.....
۳۰۸.....	۳- نقش‌های زبان.....
۳۱۴.....	۴- زبان ادبی.....
۳۱۷.....	۵- تحلیلِ گفتمان.....
۳۱۸.....	۶- کاربردشناسی.....
۳۱۹.....	۷- نظریهٔ کنش‌گفتاری.....
۳۲۰.....	۸- نظریهٔ استنباطی گرایس.....
۳۲۴.....	۹- دیدگاه هلیدی.....
۳۳۰.....	۱۰- فرمالیسم و علم معانی.....
۳۳۴-۳۴۳.....	فهرست اصطلاحات علم معانی.....

یادداشت‌ها ۳۴۴-۳۵۷

فهرست منابع و مآخذ ۳۵۸-۳۶۷

مقدمه

«سخن گفتن به مقتضای حال مخاطب» اساس همه تعریف‌هایی است که از علم معانی و در معنای وسیع‌تر آن بلاغت، به دست داده‌اند. منظور از «حال» حال مخاطب است؛ ولی هم متقدمان در علم بلاغت از آغاز تا زمان عبدالقاهر جرجانی (متوفی ۴۷۱ ه.ق.) و هم علمای زبان‌شناس امروز که به تحلیل سخن می‌پردازند، برای «حال»، معنای بسیار گسترده‌تری در نظر دارند که همه اوضاع و احوال سخن گفتن را شامل می‌شود: حال گوینده، حال مخاطب، حال موضوع، حال زمان، حال مکان، حال نوع ادبی و در کل همه شرایطی که زمینه‌های سخن را فراهم می‌کند.

توجه سخنور ماهر به مقتضای حال که منظور از آن همه این حال‌هاست و ایراد سخن به اقتضای آن، زبان او را از زبان هنجار و روزمره که همگان به کار می‌برند متمایز می‌سازد و زیبایی و اثرگذاری آن را افزونی قابل ملاحظه‌ای می‌بخشد.

کشف و توصیف اثرگذاری‌های زبانی که سخنور با ساختارهای نحوی، آفرینش صور خیال و آرایش‌های لفظی و معنوی در سخن خود ایجاد می‌کند، در تاریخ مطالعات ادبی وظیفه علم بلاغت است. قدمای این علم تا عبدالقاهر آن را به سه شاخه معانی، بیان و بدیع تقسیم نکرده‌اند؛ این تقسیم‌بندی بعد از عبدالقاهر صورت گرفته که چندان هم دقیق نیست؛ چنانکه به عنوان مثال استعاره که آن را در بخش بیان مطرح می‌کنند یکی از بهترین ابزارهای آفرینش ایجاد است که در معانی مطرح می‌شود؛ همچنین صنایعی مانند تکرار، تقسیم و مانند آنها که در بدیع مطرح هستند از قالب‌های اطناب به شمار می‌روند که خود از ابواب مهم علم معانی است.

مروری بر تاریخ علم بلاغت نشان می‌دهد که در زبان فارسی به اندازه زبان عربی در جستجوی شگردهای بلاغی آثار این زبان برنیامده‌اند؛ شگردهایی که با کاوش در شاهکارهای ادبیات فارسی به دست می‌آید و می‌توان بر اساس آنها علم معانی مختص به زبان فارسی را

نوشت. به جز چند مؤلف انگشت‌شمار که در روزگار ما قدم‌هایی در این راه برداشته‌اند و کوشیده‌اند شواهد مورد نیاز را برای شرح مبانی علم معانی از متون نظم و نثر فارسی انتخاب کنند، سایر آثار حتی از ذکر مثال‌های فارسی نیز بی بهره‌اند.

امروزه با توجه به پیشرفت‌های علم زبان‌شناسی و بعضی از شاخه‌های آن مانند: تحلیل گفتمان^۱، کاربردشناسی^۲، نظریه کنش گفتار^۳ و همچنین بعضی از نظریات ادبی فرمالیست‌ها و نظریات تازه‌ای که در نقد ادبی و سبک‌شناسی مطرح است و با توجه به آنچه که امثال عبدالقاهر جرجانی در کتاب‌هایی مثل دلائل‌الاعجاز نوشته‌اند می‌توان مقدمات تدوین علم معانی مختص زبان فارسی را فراهم آورد؛ کاری که انگیزه‌بخش نوشته حاضر و کوشش‌هایی مانند آن است.

نقد و تحلیل متون ادبی از دیدگاه علمی که در ادبیات مطرح هستند یکی از بهترین روش‌های شناخت، ارزیابی و معرفی این متون است. پژوهش‌گر عرصه زبان و ادبیات فارسی برای اینکه بتواند سره را از ناسره تشخیص دهد و مرتبه هر شاعر و نویسنده‌ای را نسبت به شاعران و نویسندگان دیگر مشخص کند، ناچار است با علوم ادبی آشنایی کافی داشته باشد. به دیگر سخن، علوم ادبی ابزار کارآمد و مفیدی است که می‌توان با بهره گرفتن از آن، متون ادبی را با شیوه‌ای علمی و نسبتاً دقیق بررسی کرد و شناخت. «شاید مهم‌ترین مباحث ادب، مباحثی باشد که به میزان تأثیر و زیبایی آثار ادبی رسیدگی می‌کند. گاهی این مباحث در علمی که نقد ادبی خوانده می‌شود و دامنه‌ای بسیار وسیع دارد، مطرح می‌شود و زمانی در علمی که بر روی هم «بلاغت» نامیده می‌شود. با اینکه در فرهنگ اسلامی «نقد ادبی» - در دو شاخه نقدالشعر و نقدالنثر- سابقه‌ای دیرینه دارد. و کتاب‌های بسیاری در باب نقد ادبی نوشته شده، اما بیشترین جلوه‌گاه کوشش‌های ادیبان ایرانی و عرب در حوزه مباحثی است که محور علم بلاغت است و از قرن دوم هجری، در میان مسلمانان، بحث درباره اینکه بلاغت چیست و چه عناصری

1- Discourse Analysis
2- pragmatics
3- speech act theory

دارد، مطرح بوده و کتاب‌های بی‌شماری در این باب نوشته شده است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۳: ۴۷-۴۸)

آثار ادبی منظوم و مثنوی با برخورداری از انواع شگردهای بلاغی همواره توجه پژوهش‌گران ادبیات را به خود جلب کرده‌اند؛ از بین این آثار شاهنامه فردوسی به دو دلیل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است نخست آنکه این کتاب عظیم بر دیگر شاهکارهای ادبیات فارسی فضل تقدم دارد و دیگر آنکه به لحاظ حجم نیز کم نظیر است. شاهنامه از آغاز تا پایان سرشار است از شگردها و شیوه‌های بلاغی که بسیاری از آنها مختص زبان فردوسی است؛ برخی از پژوهش‌گران به هنگام بحث درباره شاهنامه در مورد اهمیت بلاغی آن آرائی مطرح کرده‌اند که برای یک نتیجه‌گیری به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

نظامی عروضی در چهارمقاله نوشته است: «فردوسی «سخن را به آسمان علیین برد و در عذوبت به ماء معین رسانید و کدام طبع را قدرت آن باشد که سخن بدین درجه رساند که او رسانیده است.... من در عجم سخنی بدین فصاحت نمی‌بینم و در بسیاری از سخن عرب هم» (نظامی عروضی، ۱۳۶۶: ۷۶) شمیسا اشاره کرده است که «مراد نظامی عروضی از فصاحت علاوه بر استواری کلام، همان تأثیر کلام است که بلاغت باشد.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۶۱)

فروزانفر، فردوسی را بزرگ‌ترین شاعر ایران می‌داند و معتقد است که حکیم طوس در فن بلاغت و ابداع اسلوب‌ها، زیبایی ترکیب‌ها و شناخت مواضع فصل و وصل و ابتدا و انتهای مقاصد و استطرادهای بدیع و ارسال مثل و دقت تشبیه و استعاره و مراعات مقتضای احوال، نظیر ندارد و در میدان ایجازهای بلیغ که در اغلب قسمت‌های شاهنامه موجود است هر کدام از فحول شعرا که قدم نهاده باشند شکست خورده‌اند. (ر.ک. فروزانفر، ۱۳۵۰: ۴۷-۴۶)

عبدالحسین زرین‌کوب عقیده دارد فردوسی در آفریدن معانی و در آوردن وصف و

تشبیه‌های طبیعی از همه گویندگان دیگر سبقت گرفته است و چنان مقتضیات هر یک از موارد قصر و حذف را به درستی رعایت کرده است که ایجاز او به حد اعجاز رسیده است. (ر.ک. زرین کوب، ۱۳۵۶: ۱۷)

ذبیح‌الله صفا بر این نظر است که در کلام فردوسی ایجاز، اطناب و مساوات همه به جای خود به کار رفته‌است و کار فردوسی را در نگه داشتن تناسب میان الفاظ و معانی و حفظ صراحت و سادگی فکر و لفظ در حد سحر می‌داند و استادی و قدرت او را در ایجاز، می‌ستاید. (ر.ک. صفا، ۱۳۸۷: ۲۷۷)

شفیعی کدکنی فردوسی و سعدی را در بلاغت ساختارهای نحوی زبان فارسی بی‌همتا و بلامنازع می‌داند و معجزه این دو را در همین حوزه ارزیابی می‌کند. (ر.ک. شفیعی کدکنی، ۱۳۷۹: ۳۰)

همچنین شمیسا هر بیت از شاهنامه را در خور آن می‌داند که موضوع یک مقاله در علم معانی باشد. (ر.ک. شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۷۷)

آرائی که به آنها اشاره شد این توقع را در خواننده ایجاد می‌کند که کتاب‌های معانی را از ابیات شاهنامه فردوسی سرشار بیابد؛ ولی بررسی این آثار نشان می‌دهد که این‌گونه نیست و بلاغت-پژوهان ما در کتاب‌های خود کمتر از شاهنامه شاهد مثال نقل کرده‌اند. یکی از دلایل این موضوع این است که چون واحد بلاغی را صرفاً یک جمله و یک بیت می‌دانسته‌اند و از آن فراتر نمی‌رفته‌اند و در شاهنامه شگردهای بلاغی، بیشتر مواقع از این واحد فراتر است، بنابراین از این کتاب کمتر شاهد مثال نقل کرده‌اند. دلیل دیگر این است که گاهی به دلیل شتابزدگی و گاهی نیز به دلیل حجم کمی که برای کتاب خود در نظر می‌گرفته‌اند از مراجعه به شاهنامه با حجم بسیار زیادی که دارد و یافتن شواهد لازم از متن آن طفره می‌رفته‌اند. بنابراین در آرائی که نقل شد هیچ‌گونه اغراقی اظهار نشده و نمی‌توان آنها را به دلیل آنکه در کتاب‌های معانی مطرح نشده‌اند بی‌اهمیت دانست.

مروری اجمالی بر شاهنامه به ما نشان می‌دهد که هم می‌توان تمامی این کتاب را - به دلیل حجم بسیار زیادی که دارد- بر اساس یکی از مباحث علم معانی مانند: ایجاز، اطناب و معانی ضمنی جمله‌ها، تحلیل و بررسی کرد و از آن اثری مفصل پدید آورد و هم می‌توان هرکدام از داستان‌های آن را که خود به تنهایی در حکم یک کتاب است بر اساس همه موازین علم معانی مطالعه کرد و کتاب‌ها نوشت.

این پژوهش در جستجوی آن است که روشی برای تحلیل بلاغی شاهکارهای ادبیات فارسی بیابد. اساس کار نیز شاهنامه فردوسی است. قبل از بررسی این اثر کم‌نظیر، کلیات تحقیق ذکر شده که در آن، پرسش‌های پژوهش، اهمیت، اهداف، کاربردها و روش تحقیق بیان شده است. در ادامه تاریخچه علم معانی و مبانی نظری آن به طور اجمالی، در فصل اول آمده است. بازنویسی علم معانی با مختصر تغییراتی در فصل دوم ذکر شده است؛ در این فصل سعی شده است برای ابواب علم معانی، از همه متن شاهنامه مثال‌های متنوعی نقل شود. این مثال-ها ۳۳۲ بیت است که همگی یافته‌های نویسنده رساله بوده و از جای جای شاهنامه انتخاب شده است (اگر شاهد مثالی از جای دیگری نقل شده باشد به آن اشاره شده است). هدف از ذکر این شواهد بیان این مطلب است که شاهنامه فردوسی سرشار از شگردهای بلاغی است و به دلیل حجم بسیار زیادی که دارد نمی‌توان تمامی آن را در یک پژوهش واحد از دیدگاه علم معانی بررسی نمود. در فصل سوم، داستان رستم و اسفندیار از دیدگاه علم معانی بررسی و تحلیل شده است؛ در این کار، نخست خلاصه‌ای از داستان بیان شده پس از آن همه داستان، از نظر ساختارهای بلاغی مورد بحث قرار گرفته است. تحلیل‌های این فصل را نویسنده همین رساله انجام داده و هر تحلیلی از پژوهش‌گر دیگری نقل شده باشد سعی شده است با نقد و نظر همراه شود.

اساس کار نگارنده «شاهنامه فردوسی، به کوشش جلال خالقی مطلق» است که در حال حاضر به اعتقاد بعضی از شاهنامه‌پژوهان، بهترین تصحیح شاهنامه است.^۱ در فصل دوم هر جا که بیت

یا ابیاتی از این کتاب نقل شده باشد نشانی آن بدون تاریخ چاپ (۱۳۸۸) آمده است. (در شواهدی که از چاپ‌های دیگر نقل شده تاریخ چاپ آمده است) ولی در فصل سوم که به اقتضای کار، همه ابیات داستان رستم و اسفندیار نقل شده است، به جای ذکر تکراری مأخذ و برای پرهیز از اطناب، فقط شماره بیت‌ها از داستان مذکور طبق دفتر پنجم از شاهنامه خالقی ذکر شده است.

بررسی همسانی‌های علم معانی و زبان‌شناسی به عنوان پیوستی بر رساله آمده و پس از آن یادداشت‌های لازم قرار گرفته است.

والحمد لله رب العالمین